

مکان و توسعه شهری پایدار

حجت مهکویی

کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی

مدرس دانشگاه جامع علمی - کاربردی فیروزآباد فارس

چکیده

مکان‌ها از نظر مقیاس و ویژگی‌های طبیعی خود، تفاوت اساسی با یکدیگر دارند؛ به نحوی پیچیده، بر هم منطبق و وابسته هستند. بنا بر این هیچ نقشه‌ای از مکان‌های دنیا نمی‌توان ترسیم کرد که مرزهای قطعی را نشان دهد. درباره تفاوت مکان‌ها با یکدیگر مثال‌های زیادی وجود دارد؛ کتاب ماسه (۱۹۸۴) درباره تغییر توزیع فضایی صنعت و دور کردن آن از مناطق به هم پیوسته شهری - که انگیزه‌ای شد برای برنامه کامل پژوهش دارای عنوان عام برنامه «محل‌ی کردن» - این موضوع را در بافتی محلی توضیح می‌دهد. هر مکان محدود به مرز، سرزمینی است که مشخصات آن را به روشنی می‌توان بیان کرد؛ مرزهایش را می‌توان - چه بر روی زمین و چه بر روی نقشه - تعریف کرد، می‌توان از این مرزها دفاع کرد و می‌توان مشخصات آنها را معلوم کرد. بنا بر این درک حکومت‌ها از مکان آفرینی برای درک نحوه عمل جامعه معاصر خود حائز اهمیت است؛ اقتصاد مرتبط با مکان نظام سرمایه‌داری، مبتنی بر رقابت است. تأمین منافع (مردم ساکن) هر محل باید تا حد زیادی از طریق مخالفت با منافع (مردم ساکن) مکان‌های دیگر صورت گیرد، که اغلب مستلزم اشاعه نظریات مثبت، نسبت به خودی‌ها و نظریات منفی، نسبت به غریبه‌ها است. برای توسعه پایدار شهری، ویژگی‌های مکانی که شهر بر روی آن استقرار یافته‌ام می‌خواهد استقرار پایدار اهمیت فراوان و تعیین‌کننده دارد. توسعه مکان شهری برای رفاه مردم ساکن شهر، از اقدامات اساسی دولت‌ها می‌باشد. از آنجاکه انسان‌ها به یکدیگر وابستگی دارند و بدون ارتباط با هم، امکان زیستن، پیشرفت و توسعه ندارند؛ مکانهای زندگی انسان، چه مکان‌های روستایی و چه مکان‌های شهری نیز به یکدیگر وابسته و در ارتباط با هم قرار دارند و توسعه یکی بدون دیگری امکان‌پذیر نیست؛ این ارتباط متقابل مکان‌ها با هم، باعث توسعه آنها می‌گردد.

ماهیت مکان‌ها را می‌توان به صورت نکته‌های زیر خلاصه کرد:

- ۱- مکان‌های آفریده اجتماعند.
 - ۲- مکان‌ها نظیر خود را می‌سازند.
 - ۳- مردم اختیار مکان‌ها را در دست دارند و آنها را تغییر می‌دهند.
 - ۴- مکان‌ها جدا از هم و بی‌نیاز از هم نیستند.
- در این پژوهش سعی شده است رابطه مکان و ارتباط آن در توسعه پایدار شهری و نقش آن در مکان‌های شهری بررسی شود؛ روش کار به صورت توصیفی - تحلیلی می‌باشد.
- واژگان کلیدی: مکان - شهر - توسعه پایدار

مقدمه

«اولین پایگاه تفکر در منشاء پیدایش شهرها «مکتب جبر جغرافیایی» است که فردریک راتزل (۱) از پایه‌گذاران آن به شمار می‌رود. در دوره توجه به جبر جغرافیایی و قبول نقش قاطع و تعیین‌کننده عوامل طبیعی در رویدادها و پدیده‌های جغرافیایی و تاریخی، شهر و تمدن شهری نیز

حاصل عوامل ویژه طبیعی قلمداد می‌شود.» (شکویی، ۱۳۸۰: ۱۳۷) با توجه به این دیدگاه، مکان طبیعی نقش عمده و تعیین‌کننده در شکل‌گیری شهر دارد.

در طول تاریخ شهرهای زیادی به وجود آمده است، مراحل تکامل و گسترش را پیموده‌اند و شکل و نقش شهری را در مکان‌های طبیعی به خود گرفته‌اند، و جمعیت زیادی را به خود جذب کرده‌اند؛ به طوری که هم اکنون در جهان معاصر از هر ده نفر جمعیت جهان یک نفر در شهرهای میلیونی زندگی می‌کنند. این چنین هجوم جمعیت انسان‌ها به سوی شهرها، نشان از توجه انسان به زندگی راحت و وجود امکانات در شهرها و تفاوت توسعه و رشد شهرها نسبت به روستاها می‌باشد. بنابراین «سرآغاز شناخت جغرافیایی شهر، ارزیابی موقعیتی است که شهر، در محدوده جغرافیایی محلی و ناحیه‌ای، می‌تواند داشته باشد. چنین مطالعه‌ای به کمک نقشه‌هایی در مقیاس‌های متفاوت انجام و به تبیین موقع، مکان و مقرر شهر منتهی می‌شود.» (فرید، ۱۳۸۲: ۵۰) از طرف دیگر در متن فرایند جهانی شدن، سبک زندگی برخوردار از امکانات در بسیاری از شهرهای جهان توسعه یافته، اغلب به هزینه کیفیت زندگی افراد بسیاری است که در جایی دیگر، - اغلب در کشورهای در حال توسعه - کار و زندگی می‌کنند.

۱- مکان

«مهمترین عامل تأثیرگذار در مورفولوژی شهری زیرساخت مکانی و نشستگاه شهر است، چراکه به رغم رشد اقتصادی و تکنیکی هنوز جایگاه عوامل طبیعی را در ساخت، بافت و شکل‌پذیری شهرها نمی‌توان دست کم گرفت و هر عارضه جغرافیایی طبیعی - مکانی اعم از رود، جنگل، آب و ... می‌تواند در ساختار مورفولوژی شهری اثر بگذارد.» (فرید، ۱۳۸۲: ۱۲۵)

واژه مکان دارای کاربردی بسیار متداول است، ولی کمتر به معنای خاص آن توجه شده است؛ و استعمال آن مشکلات زیادی برای جغرافیدانان به بار آورده است. «سیتول» تعریف مناسبی از مکان دارد: مساحتی از سطح زمین که مقرر و وسعت تقریبی آن معلوم است، همچنان که از نامی که مردم به آن داده‌اند پیداست. باید تأکید کرد که معیارهای دال بر وجود هر مکان، معیارهای ذهنی‌اند؛ به حکم ماهیت قراردادی زبان، هیچ تضمینی وجود ندارد که آن معیارها را بتوان فهمید و بنابراین به همان نحو به

کاربرد که افراد مختلف به کار می‌برند. (راولینگ و دوهرتی، ۱۳۷۸: ۸۱) در شکل‌گیری یک مکان جغرافیایی با کارکرد خاص عوامل متعددی همچون اقلیم، توپوگرافی، جمعیت، نحوه نگرش مدیران شهری و ... تأثیرگذار می‌باشد. از حیث این که چگونه از مکان‌ها استفاده می‌کنیم، آنها

کارکرد و کاربری خاص پیدا می‌کنند؛ هر چند که نباید نقش عوامل طبیعی تأثیرگذار را فراموش کرد؛ این عوامل در برخی کشورها و به خصوص جهان سوم، در چگونگی کاربرد مکان‌ها نقش تعیین‌کننده دارند و کمبود تکنولوژی و عدم دسترسی به اطلاعات و داده‌های مکانی در این گونه کشورها استفاده بهینه از مکان را دچار مشکل کرده است. بنابراین «در جغرافیای انسانی، دنیا متشکل از بخش‌های کوچک و پیچیده مکان‌ها است؛ که هر یک از آنها دارای فرهنگی است که تکامل پیدا کرده است، چون ساکنانش نزاع بر سر بقای خود را مدام مورد ارزشیابی مجدد قرار می‌دهند و اطلاعاتی را که از مکان‌های دیگر کسب می‌کنند مورد ارزیابی قرار می‌دهند. فرهنگ هر مکان ممکن است در طول دوره‌ای کوتاه تغییر بسیار اساسی پیدا کند، چون ساکنانش نسبت به فشارهای خاصی که بعضی جنبه‌های مربوط به نحوه زندگی آنها را تهدید می‌کند واکنش نشان می‌دهند؛ جای دیگر و زمانی دیگر، شاید تغییر بسیار آهسته‌تر صورت گیرد. بنابراین مکان‌هایی اجتماعی هستند که زندگی در آنجا سامان می‌گیرد و این واحدها را افرادی که در صدد تغییر وضع اقتصادی، سیاسی و جغرافیای اجتماعی هستند ارزیابی می‌کنند.» (همان: ۸۹)

«طبیعی است که قشرپذیری مکان جغرافیایی واحد و یا مکان‌های متعدد شهری مستلزم صرف هزینه‌هایی است که بخش بیشتر آن را شهرداری‌ها به منظور رفع نیازهای همگانی در جهت ایجاد جاده‌ها، آبرسانی، تأمین گاز، برق، تلفن و سایر نیازهای ضروری شهرها سرمایه‌گذاری می‌کند.

امروزه شهرهایی که مکان ابتدایی آنها مراکز اداری، بازرگانی و فرهنگی و... را کنار هم دارد، به علت چشم‌اندازهای جغرافیایی نازیبی اهمیت سابق را ندارند؛ زیرا سیستم شهرسازی جدید خواهان جدایی این مراکز از هم است. بنابراین جمعیت در جستجوی هوای آزاد و فضای وسیع از مکان ابتدایی شهر دورتر رفته و زمین‌های وسیع و کم‌ارزش را برای خرید و ساخت در نظر می‌گیرند. به همین مناسبت در بسیاری از شهرها، به ویژه در شهرهای مستعمراتی از قشربندی ساختمانی به دور مکان ابتدایی شهر صرف‌نظر می‌شود و جدایی مکانی جمعیت‌ها، بر حسب موقعیت‌های نژادی به ویژه اجتماعی و اقتصادی در محدوده شهر پیش می‌آید و تضاد چشم‌گیری را در سیمای جغرافیایی شهر ایجاد می‌کند.» (فرید، ۱۳۸۲: ۸۸)

مکان و موقعیت آن، برای شهر نقش تعیین‌کننده دارد؛ به طوری که شیب زیاد برای ایجاد خیابان‌ها و سکونتگاه‌های شهری و ساخت و ساز در شهرها نامناسب می‌باشد و صرف هزینه‌های گزاف را می‌طلبد؛ «حداکثر شیب زمینی که قرار است پیکره شهر بر روی آن استوار گردد معمولاً نباید از ۱۱ درجه تجاوز کند، البته بسته به شرایط محیط این مقدار اندکی تغییر می‌کند. با انتخاب بهترین مسیر از لحاظ شیب، قادر خواهیم بود کارایی خیابان‌ها و معابر شهری را بهبود بخشیم. این عمل می‌تواند از انباشت مواد تخریبی، حرکت آبهای روان، تخریب ناشی از سیل و قرارگیری خیابان‌ها در فضاهای پشت به آفتاب و سایر مشکلات جلوگیری نماید.» (زمردیان، ۱۳۸۱: ۲۹)

از نظر مقیاس «مکان‌ها دارای مقیاس‌های متفاوتی هستند و در مقیاس

کلان در سیاست مکان، ما به مفهوم «ناحیه سیاسی» برمی‌خوریم. نواحی سیاسی ممکن است رسماً نواحی تعریف شده‌ای از قبیل حکومت ملی یا بخشهای اداری بوده و یا ممکن است براساس پیوندهای فرهنگی، تاریخی و کاربردی وجود داشته باشند. در تمام این موارد مهم است که این مناطق را نه تنها به عنوان ظرفی که شکل دهنده تعاملات اجتماعی هستند، بلکه به عنوان منابع هویت فرهنگی و در نتیجه به عنوان بخشی از جهان واقعی باز یگران اجتماعی، نگاه کرد.» (مویر، ۱۳۷۹: ۴۱)

در بررسی مکان برای توسعه شهر و توسعه پایداری که شهر از آن همه باشد و روند پیشرفت را طی کند، آمایش سرزمین نقش خود را به طور چشمگیری پیدا می‌کند؛ «آمایش سرزمین فرایندی است که طی آن فضای پیرامونی انسان به نحوی تدبیر و تنظیم می‌شود که بهره‌برداری از این فضا به صورت بهینه انجام گیرد؛ از این رو می‌توان گفت که آمایش سرزمین نحوه روند توسعه در آینده را دیکته می‌کند.» (حسین‌زاده دلیر، ۱۳۸۳: ۲۶)

هنگامی که قرار است آمایش سرزمینی در یک مکان صورت گیرد، باید به ارزیابی ویژگی‌ها و توان اکولوژیکی، شناسایی منابع، تجزیه و تحلیل و جمع‌بندی منابع آن پرداخت. پس برای هر یک از انواع کاربریها بسته به نوع استفاده فعلی سرزمین و نیازهای اقتصادی - اجتماعی مردم آن منطقه و کشور، برنامه‌ریزی در سطح مدیریت انجام می‌پذیرد. با توجه به این که استقرار هر فعالیتی در فضا مبتنی بر توانمندیهای محیطی و تعامل آن با سایر فعالیت‌ها در پهنه جغرافیایی سرزمین صورت می‌گیرد، ظرفیت‌سازی، برای توسعه فعالیت‌ها به صورت هماهنگ با بخشهای مختلف در قالب ساماندهی فضا، می‌تواند الگوهای اسکان آینده جمعیت و مدیریت فضا را تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین بعد مکان در جغرافیا همان محیط طبیعی می‌باشد که با دخالت انسان در محیط طبیعی - محیط انسان ساخت - قابل استفاده می‌شود؛ این محیط زندگی، از چهار محیط، طبیعی، انسان ساخت، رفتاری و فکری تشکیل شده است. که هر محیط به نحوی در روند زندگی مردم تأثیر می‌گذارد. همچنین در گزینش مکان‌ها و استفاده بهینه از آن برای استقرار شهرها، بافت، مورفولوژی و ژئومورفولوژی مکان‌ها از اهمیت بالایی برخوردار است. به طوری که مکان‌ها برحسب کاربرد و اهمیتی که پیدا می‌کنند دارای ماهیت هستند؛ ماهیت مکان‌ها را می‌توان به صورت نکته‌های زیر خلاصه کرد:

۱- مکان‌ها آفریده اجتماعند: مکان‌ها دارای هویت‌های جداگانه‌اند، زیرا مردم، آنها را به این صورت شکل داده‌اند. این آفریده‌ها، ممکن است در محیط زیست طبیعی واقع شده باشند، چون محیط‌های طبیعی می‌تواند سبب واکنش‌های مختلف انسانی باشند. بنابراین حق «انتخاب» را به ما می‌دهد اما همزمان آن‌چه را که ممکن است انجام دهیم، محدود می‌سازد.

۲- مکان‌ها نظیر خود را می‌سازند: زیرا مردم در قالب فرهنگ محلی خود به صورت جامعه درمی‌آیند و با اعمالی که پس از آن انجام می‌دهند در خلق مجدد آن مشارکت می‌ورزند. مردم در قالب مکان‌ها به وجود می‌آیند، بنابراین اگر مکان‌ها مختلف باشند مردم نیز مختلف خواهند بود، البته نه به اعتبار موجبیت علی.

۳- مردم اختیار مکان‌ها را در دست دارند و آنها را تغییر می‌دهند: هر فرهنگ مقید به مکان، هویت جداگانه‌ای از افراد حاضر در آن ندارد، و آنها ممکن است (از روی عمد یا بر اثر غفلت) آن فرهنگ را به سبب ضرورت واکنش نشان دادن به محرکی تازه یا تماس گرفتن با مردمی که در جاهای دیگر زندگی می‌کنند، تغییر دهند.

۴- مکان‌ها جدا از هم و بی‌نیاز از هم نیستند: «گیتی وری» کلمه بنیادی امروزی‌های است، منعکس‌کننده و افزایش‌دهنده یکپارچگی - اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی - بخشهای مختلف جهان است. زمین همیشه سیستم مستقل و واحدی بوده است؛ بنابراین مردم، و بدین سبب مکان‌ها، تابع نیروهای جهانی و اقتصاد دنیا هستند.

۵- مکان‌ها اغلب مرز رسمی پیدا می‌کنند: مکان‌ها تفکیک و مشروعیت داورای افرادی را ترویج می‌کنند که قدرت را در آنجا به دست دارند. (راولینگ و دوهرتی، ۱۳۷۸: ۹۶، ۹۷)

۲- شهر و توسعه پایدار شهری

«شهر از دید افلاطون، پدیده‌ای طبیعی است نه ساختگی؛ یعنی داشتن یا نداشتن نظام سیاسی، امری دلخواه نیست، بلکه زندگی بشر، بی آن ناممکن است. شهر ریشه طبیعی دارد، همانند موجودات دیگر. پس امری تکوینی است. افلاطون هدف اصلی جامعه را اقتصاد نمی‌داند و می‌گوید منشأ و انگیزه، هر چند که اقتصادی است اما هدف جامعه انسانی، اقتصادی نیست؛ در تأسیس شهر انگیزه اقتصادی است اما روح جامعه، «عدل» است و عدل امری انسانی است.» (صرافی و اسماعیل‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۳۹)

اگر بخواهیم تعریفی از شهر در یک جامعه سیاسی داشته باشیم باید به تعریف «بوکچین»^(۲) و «هیل» بسنده کنیم که به باور آنها شهر تبلوری از نابرابری در روابط قدرتمند که با ظهور حکومت یعنی روابط فرماندهی - فرمانبری همخوانی دارند. شهروندی در شهر نیز به معنای شهروند^(۳) یک کشور بودن با در نظر گرفتن حقوق و وظایفی که دارد، با حالت یک شهروند با حقوق و وظایف، تابعیت، شهرنشینی و شهرگرایی است. (همان: ۱۳۷)

همچنین در تعریف شهر «ژان برون» و «پیر دوفوتن» در برابر قصبه و بخش که اکثریت ساکنان آن خارج از منطقه شهری فعالیت می‌کنند، شهر را مکانی می‌دانند که اکثریت جمعیت آن، قسمت اعظم وقت خود را در داخل منطقه شهری صرف می‌کنند. از طرف دیگر واگنر شهر را نقطه تمرکز امور بازرگانی می‌داند. (فرید، ۱۳۸۲: ۳۲)

«نخستین شهر ساز و یا کسی که به بیان اصولی در زمینه شهرسازی پرداخت، شخصی به نام «هیپوداموس» بود که در حدود سال ۴۸۰ ق.م می‌زیست؛ این شخص اصولی را برای شهرسازی زمان خود بیان نمود که منطقی و علمی بود. اصول پیشنهادی وی شهرسازی را بیشتر از لحاظ تأمین آسایش ساکنین آن و از نظر تهیه احتیاجات روزمره، به نحوی ساده مورد توجه داشت. همچنین معتقد بود که شهر بایستی از محله‌هایی تشکیل شود و ساکنین هر محله بتوانند مایحتاج خود را از بازارهای نزدیک خود فراهم سازند.» (شبعه، ۱۳۷۸: ۳۲، ۳۱)

به طوری که هم اکنون در قرن بیست و یکم این اصول نیز در روند زندگی شهری مؤثر است. و با گذر زمان در روند تکاملی شهرها که رو به گسترش و توسعه گذاشته‌اند نیز تأثیرگذار بوده است؛ برای مثال در شهرهای ماقبل صنعتی نسبت شهرنشینان به جمعیت روستایی کمتر بود و در بعضی از جوامع جمعیت شهرنشین به ۱۰ درصد کل جمعیت هم نمی‌رسید، خیابان‌ها برای عبور حیوانات و بیشتر تنگ و تاریک بود. اما با پیدایش صنعت، شهرهای صنعتی و وجود شهرهای تجاری و تمرکز سرمایه در شهرها روند زندگی شهری را دگرگون ساخت؛ تمرکز صنایع و کارخانه‌ها در مرکز شهر و پیدایش راه آهن در شکل‌گیری شهرها در اطراف معادن مؤثر بود؛ که با توسعه و پیشرفت علوم و مکان‌گزینی مناسب هر یک از این عناصر (کارخانه‌ها و...) در مکان شهری - در کشورهای پیشرفته - محیطی مناسبی را برای شهروندان به وجود آوردند.

امروزه «برنامه‌های شهرسازی را نمی‌توان به عنوان یک برنامه خاص شهر و جدا از محیط‌های اطراف دانست. بنابراین، در شهرسازی یکی از مهمترین مطالعات در جهت طراحی‌های محیط شهری، هماهنگی شهرها با محیط‌های طبیعی، فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی اطراف آنها از یک سو و ارتباط متقابل نواحی زیستی با یکدیگر از سوی دیگر است. در برنامه‌ریزی‌ها، طراحی‌ها و هرگونه اقدامی در جهت شهرسازی در محیط شهری، در نظر گرفتن وجوه مشترک بین شهر با محیط اطراف، دارای اهمیت ویژه‌ای است.» (همان: ۷)

از این رو مکان‌های شهری در ارتباط و پیوند با یکدیگر هستند و از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند بنابراین توسعه شهر و مکان شهری در روند ارتباطات مهم می‌باشد. شاید بتوان نحوه ارتباط و پیوند شهرها با مکان‌های دیگر و تفاوت‌هایی که امروزه میان مکان‌های شهری و روستایی وجود دارد را در نظریات «توماس مور»^(۴) بیان کرد، آنجا که در اثر خود کتاب «آرمان شهر» به سه سؤال زمان ما به تفکر پرداخت: الف - چگونه می‌توان شهر و روستا را به هم نزدیک ساخت؟ ب - چگونه می‌توان شهر را به داخل روستا برد؟ ج - چگونه می‌توان روستا را به داخل شهرها آورد؟ (موسی کاظمی و بدری، ۱۳۸۳: ۱۰۰)

از این رو، توسعه شهر باید با توجه به معیارهای علمی و استاندارد بین‌المللی صورت گیرد. چرا که رشد بی‌قواره شهرها چگونگی استفاده مردم از منابع و امکانات را محدود می‌سازد و نحوه استفاده صحیح و درست از آنها را دچار نقصان می‌کند؛ که این امر خود توسعه پایدار شهری را دچار وقفه می‌کند. چنانکه از تعریف توسعه نیز مشخص است: «در سال ۱۹۸۶ متخصصان توسعه در همایش «موضوعات اخلاقی در توسعه» در کلمبوی سریلانکا به این توافق دست یافتند که تعریفی کامل از توسعه، باید شش بعد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، الگوی زندگی کامل و زیست محیطی را مد نظر قرار دهد» (هودر، ۱۳۸۶: ۱۹۹) بنابراین منظور از توسعه پایدار تحقق ارائه مردم یک مکان یا سرزمین برای استفاده بهینه از امکانات موجود می‌باشد و از آنجایی که هدف از مطالعه جغرافیا، برنامه‌ریزی و مدیریت محیط می‌باشد، نتایج مطالعات جغرافیایی به توسعه پایدار می‌انجامد. قابل

ذکر است که «یکی از جامع‌ترین مفاهیم در همه زمان‌ها، توسعه پایدار است. این مفهوم عنصر اصلی راهکار ۲۱^(۵) است، سند چهل فصلی که در سال ۱۹۹۲ در نشست سران جهان در ریودوژانیرو (برزیل) مورد پذیرش همگان قرار گرفت. اهداف توسعه پایدار عبارتند از: تأمین نیازهای اساسی، بهبود استانداردهای زندگی برای همه، حفاظت از اکوسیستم‌های طبیعی و مدیریت بهتر آنها. توسعه پایدار در همه سطوح سازمان فضایی (محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی) مورد نظر است، ولی در سطح محلی به ویژه شهرها، توجه بیشتری را به خود جلب کرده است.» (کاظمی و بدری، ۱۳۸۳: ۹۴)

در روند توسعه پایدار شهری نقش، وظایف دولت‌ها و مدیران شهری و نحوه عملکرد آنها قابل توجه است؛ تأمین منابع مالی، امروزه یکی از نگرانی‌ها و دل‌مشغولی‌های مدیران شهر می‌باشد. در جوامع شهری امروزی، نهادهای مالی بزرگ همواره تلاش می‌کنند کاربرد زمین در نواحی گوناگون را آرایش دهند و این کار پیوسته بر بهای زمین اثر می‌گذارد، هر چه این فرایند تشدید شود سودآوری زمین و مسکن بیشتر می‌شود. از طرف دیگر «با بررسی نقش دولت‌ها در اقتصاد شهری در کشورهای گوناگون در می‌یابیم که در هیچ کشوری تعدیل ساختاری یا آزادسازی اقتصادی به این معنا نبوده است که دخالت‌های مالی دولت در عرصه مدیریت شهری کم یا قطع شود. برای مثال: این سهم در آمریکای شمالی آزادترین اقتصاد دنیا در سال ۱۹۹۵، ۳۸ درصد از منابع درآمدی دولت‌های محلی از دولت مرکزی بوده است، در انگلستان ۷۲ درصد، در فرانسه ۳۴ درصد و در برزیل ۳۰ درصد بوده است.» (لطیفی، ۱۳۸۴: ۱۵۰)

بنابراین «مفهوم اصلی توسعه پایدار شهری این چنین است: شکلی از توسعه امروزی که توان توسعه مداوم شهرها و جوامع شهری نسل‌های آینده را تضمین کند.

از نظر کالبدی، توسعه پایدار شهری یعنی تغییری که در کاربری زمین و سطوح تراکم برای رفع نیازهای ساکنان شهر در زمینه مسکن، حمل و نقل، اوقات فراغت و غذا، به عمل می‌آید تا در طول زمان شهر را از نظر زیست محیطی قابل سکونت و زندگی می‌کند.» (کاظمی و بدری، ۱۳۸۳: ۱۰۰)

قابل ذکر است که یکی از موارد بسیار مهم در روند توسعه شهری و ورود امکانات به شهر حمل و نقل و توسعه خطوط ارتباطی می‌باشد، از این رو می‌توان اذعان نمود که چرا کارشناسان شهرسازی در ساخت شهرها بیش از هر چیز به شبکه ارتباطی شهر توجه می‌کنند: کوچه‌ها، خیابان‌ها، خطوط آهن، کانال‌های آبی، خطوط تلفن و... و بر این اساس شهرسازان و مدیران شهری در ساختار شهرها با سه مسأله مهم روبرو هستند: ۱- مسأله مربوط به اشغال زمین و منطقه‌بندی آن ۲- مسأله تراکم شهری و شهرگرایی ۳- مسأله مربوط به بخش مرکزی و هسته شهر و چگونگی حفاظت از آن.

(فرید، ۱۳۸۲: ۴۷)

۳- نتیجه‌گیری

بدون تردید هدف نهایی برنامه‌ریزی، رسیدن به توسعه پایدار، توزیع مناسب جمعیت و حداکثر استفاده از محیط طبیعی و قابلیت‌های مکان

طبیعی می‌باشد. نحوه استفاده از مکان و اطلاعات مکانی در توسعه و رشد شهرها تأثیرگذار است و به عبارت دیگر نقش تعیین‌کننده دارد. شهرها در مکان زاده می‌شوند و مراحل تکامل را پشت سر می‌گذارند. در این میان چگونگی استفاده و کاربرد بهینه منابع در شهر، در پیشرفت شهرها تأثیرگذار می‌باشد؛ که اگر این روند توسعه شهری به صورت مطلوب انجام پذیرد می‌توانیم آرامش و آسایش مردم، شکل‌گیری مگالاپلیس‌ها^(۶) و... را شاهد باشیم؛ که این خود وابسته به دو بعد مکان و انسان می‌باشد.

بنابراین مکان نقش مهم خود را در شهر ایفا می‌کند و این نقش بر روی آنچه که درون شهر جای می‌گیرد اثرگذار و تعیین‌کننده است. هرگونه فعالیتی از سوی انسان، نیازمند مکان می‌باشد، و بدون یک مکان مطلوب و بهینه امکان شکل‌گیری فعالیت‌های مردم وجود ندارد.

منابع و مأخذ

- ۱- حسین زاده دلیر، کریم؛ برنامه‌ریزی ناحیه‌ای؛ تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۳.
- ۲- فرید، یداله؛ جغرافیا و شهرشناسی؛ تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز، چاپ پنجم، ۱۳۸۲.
- ۳- شکویی، حسین؛ دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری؛ تهران: انتشارات سمت، جلد اول، چاپ پنجم، ۱۳۸۰.
- ۴- شیعه، اسماعیل؛ مقدمه‌ای بر مبانی برنامه‌ریزی شهری؛ تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت، چاپ نهم، ۱۳۷۸.
- ۵- راولینگ، اللورام و دوهرتی، ریچارد؛ جغرافیای در قرن بیست و یکم؛ ترجمه حسین لاهوتی، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۷۸.
- ۶- زمر دیان، محمدجعفر؛ کاربرد جغرافیای طبیعی در برنامه‌ریزی شهری و روستایی؛ انتشارات پیام نور، چاپ چهارم، ۱۳۸۱.
- ۷- صرافی، مظفر و اسماعیل زاده، حسین؛ راهکارهایی برای حل مسایل شهری در ایران؛ فصلنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۱۷ و ۲۱۸، مهر و آبان ۱۳۸۴.
- ۸- لطیفی، غلامرضا؛ فرایند مدیریت شهری تهران پس از جنگ تحمیلی؛ فصلنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۱۷ و ۲۱۸، مهر و آبان ۱۳۸۴.
- ۹- موسی کاظمی، سید مهدی و بدری، سیدعلی؛ جغرافیای شهری و روستاشناسی؛ تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ دوم ۱۳۸۳.
- ۱۰- مویر، ریچارد؛ درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی؛ ترجمه دره میرحیدر باهمکاری رحیم صفوی؛ تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، چاپ اول، ۱۳۷۹.
- ۱۱- هودر، راپرت؛ جغرافیای توسعه در جهان و ایران؛ ترجمه فضیله‌خانی و ناصر جواد، تهران: انتشارات قومس، چاپ اول، ۱۳۸۶.

پی‌نوشت

- 1) Friedrich Ratzel
- 2) Bookchin
- 3) Citizenship
- 4) Thomas more
- 5) Agenda 21
- 6) Megalapolis